



Revolution Studies
Volume 3, No. 5, Summer & Spring 2025 (Serial 5)

A Review of the Stages of Revolutionary Movement in a Hybrid Approach

Mohammad Bagher Khorramshad ¹

Iman Hosein Ghezelayagh ²

[Doi: 10.22034/fademo.2025.522232.1106](https://doi.org/10.22034/fademo.2025.522232.1106)

Abstract

Due to the complexity of the phenomenon of revolution, it is rare to find a theory that can explain all its aspects. The why of revolution is mainly expressed in the form of theories and the how of it is expressed in the form of models. In most works that refer to the stages of revolutions, these stages are either not fully outlined, or the element of complexity of revolutions, including the role of actors, has been less considered, or there is no systematic relationship between the stages. This research seeks to extract a systematic model of how revolutions are formed by reviewing and analyzing different theories of revolution. In this research, the structure-agency approach and the meta-synthesis method have been used to explain the subject. The main question is: what model of the stages of revolution can be achieved by looking at different theories of revolution in a combined way? The research findings show that five stages can be envisioned for the revolutionary movement, in which five levels of activism will be visible in each stage, including the general public, activists (revolutionary leaders, revolutionary agents, and revolutionary activists), and the political structure.

Keywords: Revolution, theories of revolution, stages of revolution, revolutionary actors, structure-agent, meta-synthesis.

1. Professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

mb.khorramshad@gmail.com

2. PhD in Political Science (in Iran Issues), Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (Corresponding author)

iman_ghe@yahoo.com

Received: 2025/ 05/ 09

Approved: 2025/ 06/ 08

مروری بر مراحل جنبش‌های انقلابی در رویکردی ترکیبی

محمدباقر خرمشاد^۱

Doi: 10.22034/fademo.2025.522232.1106

ایمان حسین قزل‌ایاق^۲

چکیده: به دلیل پیچیده بودن پدیده انقلاب، کمتر نظریه‌ای را می‌توان سراغ گرفت که توانایی تبیین همه وجوه آن را داشته باشد. عمدتاً چرایی انقلاب در قالب نظریات و چگونگی آن در قالب الگوها بیان می‌شود. در اغلب آثاری که به مراحل انقلاب‌ها اشاره دارند یا این مراحل چندان کامل ترسیم نشده و عنصر پیچیدگی انقلاب‌ها و از جمله نقش کنشگران، کمتر مورد توجه بوده و رابطه نظام‌مند بین مراحل برقرار نبوده است. این پژوهش درصدد است از طریق بازخوانی و واکاوی نظریه‌های مختلف انقلاب، الگویی نظام‌مند از چگونگی شکل‌گیری انقلاب استخراج نماید. در این پژوهش به‌منظور تبیین موضوع، از رویکرد ساختار - کارگزار و روش فراترکیب استفاده شده است. سؤال اصلی این است که با نگاه ترکیبی بین نظریه‌های مختلف انقلاب، به چه الگویی از مراحل انقلاب می‌توان دست یافت؟ یافته پژوهش نشان می‌دهد می‌توان برای جنبش انقلابی، پنج مرحله متصور شد که در هر مرحله، پنج سطح از کنشگری شامل عموم مردم، کنشگران (رهبران انقلابی، کارگزاران انقلابی و کنشگران انقلابی) و ساختار سیاسی، قابل مشاهده خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: انقلاب، نظریه‌های انقلاب، مراحل انقلاب، کنشگران انقلابی، ساختار - کارگزار، فراترکیب.

۱. استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
mb.khorramshad@gmail.com

۲. دکترای علوم سیاسی (گرایش مسائل ایران)، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
iman_ghe@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۹

مقدمه

با توجه به اینکه به باور بسیاری از نظریه پردازان، اغلب انقلاب‌ها حرکتی پیش‌رونده و مرحله‌ای دارند، به همین دلیل تبیین چگونگی انقلاب‌ها یکی از موضوعات اصلی در مطالعه انقلاب‌ها به شمار می‌رود. پدیده انقلاب در مقطعی آغاز و در سیری پرفراز و نشیب، در مقطعی دیگر به پیروزی می‌رسد. این بازه زمانی اغلب از مراحل مجزا و سلسله‌وار با ویژگی‌هایی تا حدودی متفاوت برخوردار است. علاوه بر اینکه انقلاب‌ها مرحله‌ای شکل می‌گیرند، برای تداوم هر مرحله تا رسیدن به مرحله بعد، معمولاً گروهی از کنشگران اجتماعی به منظور پیگیری مجموعه‌ای از خواسته‌ها، در زمان‌بندی‌های مشخص نقش‌های مجزا و مختلفی ایفا می‌کنند. در طی مراحل انقلاب، به تدریج تعداد و گستره معترضین، شدت و دامنه اعتراض‌ها و میزان انسجام انقلابیون بیشتر می‌شود. هم‌زمان که امواج پراکنده نارضایتی‌ها و اعتراض‌های موجود در بدنه اجتماعی، به تدریج تحت تأثیر عوامل مختلف، تجمع و منسجم می‌شوند، رهبران انقلابی نیز با ایجاد هویت و انسجام در معترضین و سپس بسیج کنشگران ناراضی (معترض و ممتنع)، تلاش می‌کنند ساختار سیاسی مطلوب خود را جایگزین ساختار سیاسی موجود نمایند.

با توجه به پیچیده بودن پدیده بین‌رشته‌ای انقلاب که طیف گسترده‌ای از متغیرهای اجتماعی را فرا می‌خواند، کمتر نظریه‌ای را می‌توان سراغ گرفت که توانایی تبیین همه وجوه آن را داشته باشد. به همین دلیل تبیین مسیر پرتلاطم و پیچیده انقلاب از عهده یک یا دو نظریه خارج است و مستلزم نگاهی بین‌رشته‌ای و ترکیبی بین نظریه‌ها و الگوها خواهد بود. برخی از نظریات به چرایی انقلاب‌ها می‌پردازند و برخی دیگر به مراحل انقلاب یا چگونگی آن و گروه دیگری به پیامدهای آن اشاره دارند. اینکه چه عواملی و چگونه در پیدایی و استمرار هر مرحله دخیل هستند؟ نقش ساختارها و کارگزارها در این بین چگونه است؟ و چگونه هر مرحله، مقدمه‌ای برای مرحله بعدی می‌شود؟ موضوعاتی هستند که در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد. این پژوهش با فرض پیچیدگی و چندساحتی بودن انقلاب‌ها، درصدد است از رهگذر کنکاش و بازخوانی مهم‌ترین نظریه‌ها و الگوهای مطرح شده، به یک منطق نظام‌مند از مراحل تطور انقلاب دست یابد؛ بنابراین هدف اصلی نه خلق یک نظریه جدید، بلکه استخراج و ارائه الگویی در تبیین روند انقلاب خواهد بود. در این پژوهش تلاش می‌شود با بهره‌گیری از رویکرد ساختار - کارگزار و روش فراترکیب، با نگاهی ترکیبی و نظام‌مند، الگویی از شکل‌گیری انقلاب ارائه شود. با این مقدمه سؤال اصلی پژوهش این است که با نگاه ترکیبی بین نظریه‌های مختلف انقلاب، به چه الگویی از مراحل انقلاب می‌توان دست یافت؟

۱. پیشینه و چهارچوب مفهومی

به طور کلی آثاری که به مطالعه انقلاب‌ها پرداخته‌اند را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد. دسته اول که عمده آثار به آن تعلق دارد، به تبیین و چرایی انقلاب می‌پردازد. اغلب نظریه‌های کلاسیک انقلاب از جمله نظریه‌های کارل مارکس، جیمز دیویس، چالمرز جانسون و ... در این دسته قرار می‌گیرند. دسته دوم اغلب به چگونگی، روند، مراحل یا سیر تکاملی انقلاب‌ها اشاره دارند که در این پژوهش به طور خاص این دسته مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در این دسته که حجم کم‌تری از پژوهش‌ها را شامل می‌شود، تلاش می‌گردد نشان داده شود انقلاب در هر مرحله چه حالتی پیدا می‌کند و چه خصوصیتی دارد. همچنین دسته سوم نیز خود به دو شاخه، شامل نتایج داخلی انقلاب یا تأثیرات درونی (در قالب دستاوردها و پیامدها) و نتایج بیرونی (با عناوینی چون بازتاب یا تأثیرات بیرونی انقلاب) تقسیم می‌شود (خرمشاد، ۱۳۹۷، صص ۱۸-۱۷). در خصوص پیامدهای داخلی انقلاب‌ها می‌توان به آثار کرین بریتون، جک گلدستون و تدا اسکاچپول و در خصوص پیامدهای خارجی آن می‌توان به آثار محمدباقر خرمشاد، ابراهیم برزگر و مارک کاتز اشاره کرد.

در بررسی جزئی‌تر آثار انقلاب‌پژوهانی که در کنار تبیین چستی و چرایی، به چگونگی انقلاب نیز پرداخته‌اند، می‌توان به مطالعات کرین بریتون اشاره کرد. او معتقد است انقلاب در چندین مرحله رخ می‌دهد و گروه‌های اجتماعی گوناگون در مقاطع مختلفی وارد فرایند انقلابی می‌شوند (بک، ۱۳۹۸، ص ۴۶) البته بخشی از نظریه بریتون به مراحل بعد از انقلاب اشاره دارد. او مراحل پس از انقلاب را به پنج مرحله شامل ۱. ماه عسل؛ ۲. فرمانروایی میانه‌روها؛ ۳. به قدرت رسیدن تندروها؛ ۴. عصر وحشت و پاک‌دامنی؛ ۵. ترمیدور، تقسیم می‌کند (بریتون، ۱۳۹۰، صص ۲۸۰-۲۷۵). همچنین انقلاب‌پژوه دیگری به نام جورج پیتی در آثار خود از جمله «روند انقلاب» و «انقلاب؛ سنخ‌شناسی و روند» به موضوع مراحل انقلاب پرداخته است (خرمشاد، ۱۳۹۷، ص ۱۸). همچنین جورج لاوسن بر این باور است اگرچه انقلاب‌ها دارای توالی‌های علیّی حوادث هستند؛ اما شکل این توالی‌ها نه واحد، بلکه چندگانه است (لاوسن، ۱۴۰۰، ص ۸۵). در الگوی ساختاری تدا اسکاچپول نیز انقلاب‌ها به ترتیب و تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند: ۱. تغییرات در نظام‌های اجتماعی باعث نارضایتی اجتماعی و بسیج عمومی می‌شود؛ ۲. جنبش توده‌ای به کمک ایدئولوژی و سازمان‌های وابسته به سرنگونی رژیم حاکم اقدام می‌کند؛ ۳. درگیری و پیروزی؛ ۴. اجرای برنامه‌ها تکامل می‌یابند (اسکاچپول، ۱۳۸۹، ص ۳۲) از دیدگاه تد رابرت گر توالی علیّی در خشونت سیاسی ابتدا با بروز نارضایتی آغاز می‌شود، در مرحله دوم این نارضایتی، سیاسی می‌شود و نهایتاً به تحقق عمل خشونت‌آمیز علیه موضوعات یا بازیگران

سیاسی می‌انجامد (گر، ۱۳۷۹، ص. ۳۳). از دیدگاه کوزر و روزنبرگ، فرایند شکل‌گیری هر انقلابی به‌طور کلی بدین ترتیب است که نخست، دگرگونی‌هایی در جامعه، نظام اجتماعی و جمعیت‌ها، به وجود می‌آید که آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و باعث اعتراض، سردرگمی اجتماعی یا خیزش گروه‌ها و توانمندی‌های جدیدی برای حرکت جمعی می‌شود. سپس جنبشی هدفمند و با شالوده‌ وسیع شکل می‌گیرد که با به‌هم‌پیوستگی ایدئولوژی و سازمان به وجود می‌آید و آگاهانه سرنگونی حکومت موجود و شاید تمامی نظم اجتماعی را به عهده می‌گیرد؛ و سرانجام جنبش انقلابی، با صاحبان اقتدار یا حکومت مبارزه می‌کند، چنانچه پیروز شود، متعهد خواهد بود کنترل، اقتدار و برنامه دگرگونی اجتماعی خود را مستقر سازد (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۹۱، صص. ۶۳۱-۶۳۰) در جمع‌بندی کوتاه می‌توان گفت در اغلب آثار اشاره شده مراحل انقلاب‌ها یا چندان کامل ترسیم نشده و عنصر پیچیدگی انقلاب‌ها و از جمله نقش کنشگران، مورد توجه نبوده و رابطه نظام‌مند بین مراحل اشاره شده تا حدودی برقرار نبوده است. پژوهش حاضر به دنبال آن است با بهره‌گیری از آورده‌های نظری مطرح شده در مورد مراحل انقلاب، به ارائه یک قالب و الگوی نظام‌مند و جدید، برای فهم و تبیین مراحل انقلاب مبادرت ورزد. همچنین تلاش شده است حتی‌الامکان نشان داده شود هر یک از نظریات مطرح شده، در کدام مراحل از روند انقلاب، قدرت تبیین بیشتری دارند.

۲. روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد ساختار- کار گزار^۱ و روش فراترکیب^۲، نظریات مختلف انقلاب مورد بررسی، تطبیق و مقایسه قرار گرفته است. در رویکرد ساختار- کار گزار، نگاهی تعاملی بین ساختار و کنشگران اجتماعی برقرار می‌شود. در واقع یکی از دغدغه‌های دیرینه نظریه‌پردازان، ایجاد یک علم جامعه‌شناسی جامع‌نگر بوده است. از جمله موزلیس، شکلی از رابطه را مشخص می‌کند که بر مؤلفه‌های یک نهاد (قواعد و نقش‌ها، یا بعد انسجام سیستمی) و شرکت‌کنندگان در کنش متقابل (متصدیان نقش و کنشگران جمعی، یا بعد انسجام اجتماعی) صدق می‌کند (پارکر، ۱۳۸۶، صص. ۱۴۷-۱۴۵) همچنین از دیدگاه هارتموت اسر، وضعیت‌های اجتماعی در سطح کلان، نتیجه توالی کنش‌های اجتماعی و در ضمن بیانگر مشخصات ساختارهای اجتماعی هستند. به‌طوری‌که وضعیت اجتماعی مفروض از وضعیت صفر در یک‌زمان به وضعیت یک در

1. Structure-Agency

2. Meta-Synthesis

زمان دیگر و به همین ترتیب تا آخر تغییر می‌کند. در این میان، کنشگران متعلق به سطوح خُرد، وضعیت‌های ذکر شده را با عمل خود، تغییر می‌دهند (کسلر، ۱۳۹۴، صص. ۳۱۴-۳۱۲). بوردیو نیز به دنبال غلبه بر دوگانه‌انگاری ساختار و عاملیت بوده است و به این دلیل رویکردهای عامل محور یا کنش محور را رد می‌کند (سیدمن، ۱۳۸۶، ص. ۱۹۶) همچنین گیدنز بر اساس نظریه ساختاربندی خود، معتقد است پهنهٔ اساسی بررسی علوم اجتماعی، نه تجربه کنشگر فردی و نه وجود هر نوع جامعیت اجتماعی است، بلکه آن عملکردهای اجتماعی است که در راستای زمان و مکان سامان می‌گیرند (ریتزر، ۱۳۸۶، صص. ۶۰۱-۶۰۰). در نظریهٔ ساختار - کار گزار، دربارهٔ نیاز به موضعی میانه سخن به میان می‌آید که ساختار و کارگزاری بر یکدیگر اثر می‌گذارند و آن دو ذاتاً و به صورت اجتناب‌ناپذیر، مرتبط و درهم هستند (های، ۱۳۸۲، ص. ۱۹۴).

در کنار رویکرد اشاره شده، در این پژوهش از روش کیفی فراترکیب استفاده شده است. فراترکیب مطالعات کیفی، به معنای یکی کردن گروهی از مطالعات کیفی به منظور کشف نکات اساسی و ترجمهٔ آن‌ها به یک محصول نهایی واحد است. این محصول نهایی نتایج مطالعات اولیه را به صورت یک مفهوم جدید بیان می‌کند (فینفگلد کانت، ۱۳۹۹، ص. ۲۶)؛ بنابراین فراترکیب به جای نمایش خلاصه‌ای از ویژگی‌های نامرتبط یک رویداد یا تجربه، به ارائهٔ توصیف یا توضیحی کاملاً یکپارچه از یک رویداد یا تجربه می‌پردازد (Sandelowski & Barroso, 2007, p.18).

طبق روش فوق، در این پژوهش تلاش شده است نظریات مربوط به چگونگی انقلاب، به تناسب قدرت تبیینی آن‌ها در قالب پنج مرحلهٔ شکل‌گیری انقلاب‌ها (اشاره شده در چهارچوب مفهومی پژوهش)، دسته‌بندی و ترکیب شوند. بدین ترتیب، نظریاتی که با رهیافت روان‌شناختی و بیشتر به موضوع کنشگری منفرد و پراکندهٔ افراد مربوط می‌شد، در قالب مرحلهٔ نخستین شکل‌گیری جنبش انقلابی دسته‌بندی شدند. سپس نظریاتی که غالباً موضوع کنش‌های جمعی را مورد بررسی قرار داده و به روند شکل‌گیری پیوند بین کنشگری‌های منفرد پرداخته و ناظر به نظریه‌های جنبش‌های اجتماعی بودند، در قالب مرحلهٔ دوم روند انقلاب قرار داده شدند. در مرحلهٔ بعد با فرض اینکه ادامهٔ روند انقلاب مستلزم تبدیل جنبش اجتماعی از رویکرد اصلاحی به انقلابی است؛ بدین لحاظ، عمدتاً نظریات مربوط به شکل‌گیری جنبش‌های انقلابی، در دستهٔ سوم قرار گرفتند. در مرحلهٔ چهارم نیز با توجه به اهمیت تلاش برای افزایش توان جنبش از طریق جذب افراد مختلف؛ از این رو، نظریه‌های بسیج منابع در این دسته قرار گرفتند. در نهایت در دستهٔ پنجم که پدیدهٔ انقلاب محقق می‌شود، عمدتاً نظریه‌هایی قابل طرح بودند که به عوامل نزدیک انقلاب‌ها و فرایند سیاسی دست‌به‌دست شدن قدرت سیاسی مربوط می‌شدند. در این دسته نیز عمدتاً نظریه‌های سیاسی وقوع انقلاب گنجانده شدند.

به طور مصداقی تر در مرحله اول برای تبیین شکل گیری نارضایتی های پراکنده اجتماعی عمدتاً از نظریه تد رابرت گر؛ مرحله دوم، شکل گیری جنبش اجتماعی اصلاحی بیشتر از نظریات تدا اسکاچپول، نیل اسملسر و کارل دیتراپ؛ مرحله سوم، شکل گیری جنبش انقلابی، غالباً از نظریات جک گلدستون، فردریک میر، دلاپورتا و دیانی و هنک جانستون؛ مرحله چهارم، شکل گیری بسیج انقلابی بیشتر از نظریات چارلز تیلی، مک کارتی و زالد و اپتر و آندریین و در نهایت برای مرحله پنجم غالباً از نظریات جک گلدستون، چارلز تیلی، محمدباقر خرمشاد، کالین بک و ساموئل هانتینگتون استفاده شده است. در استفاده از این نظریات تلاش شده تا خلأهای نظری از مرحله ای به مرحله بعد با بهره گیری از نظریات مکمل و متناسب جبران شده و نگاهی نسبتاً جامع، نظام مند و منسجم از مراحل شکل گیری انقلاب دست داده شود. البته که نظریات دسته بندی شده در قالب مراحل پنج گانه، شاید توان تبیین مراحل قبل یا بعد از خود را هم داشته باشند؛ اما در این مقاله ترجیح بر گنجاندن نظرات در مراحل مختلف بر مبنای قدرت تبیین آنها بوده است.



شکل ۱. الگوی مرحله ای انقلاب و نظریات مرتبط با هر مرحله

۳. چگونگی مراحل انقلاب و نقش کنشگران در هر مرحله

با توضیحات فوق می‌توان وقوع انقلاب‌ها را از رهگذر پنج مرحله با ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی کم‌وبیش متفاوت و با فرض نقش متفاوت کنشگران به شرح زیر صورت‌بندی کرد.

۳-۱. بروز نارضایتی‌ها و اعتراض‌های منفرد و غیرمنسجم اجتماعی

همواره در جوامع، افراد در جایگاه‌ها و نقش‌های مختلف، نسبت به وضعیت خود، به‌طور نسبی نارضایتی‌هایی دارند و حداقل تلاش می‌کنند با بهره‌گیری از سازوکارهای اجتماعی، شکایات و نارضایتی خود را ابراز کنند. البته نکته مهم این است این اعتراض‌ها در مسیر مراحل جنبش انقلابی قرار گیرد؛ زیرا در همه جوامع، وجود نارضایتی‌ها امری طبیعی و مرسوم است و لزوماً هر مجموعه نارضایتی‌ها و اعتراض‌ها به انقلاب نمی‌انجامد.

در این مرحله نارضایتی‌ها و اعتراض‌ها بیشتر به‌صورت منفرد، پراکنده و بی‌شکل، ظاهر می‌شوند و به زمینه‌ها و بسترهای روان‌شناختی و اقتصادی کنشگری سیاسی (خرد) معطوف است. البته مسیر شکل‌گیری جنبش انقلابی بسیار پیچیده‌تر از آن است که بتوان اعتراض‌ها را مستقیماً به انقلاب وصل کرد. به‌همین دلیل بسنده کردن به نظریه‌های روان‌شناختی نمی‌تواند تحلیلی جامع در اختیار پژوهشگر قرار دهد. چنانچه کوهن نظریه‌های روان‌شناختی را از تبیین چگونگی تبدیل نارضایتی به خشونت، رفتار جمعی و بسیج انقلابی ناتوان می‌داند (کوهن، ۱۳۸۰، ص. ۱۸)، باوجوداین، حداقل نظریه‌های روان‌شناختی تبیین دقیق‌تری از مرحله اول ارائه می‌دهند. به‌عنوان نمونه، تد رابرت گر نارضایتی را در قالب مفهوم محرومیت نسبی (نارضایتی و تصور وجود شرایطی که باعث سرخوردگی می‌شود) توصیف کرده است. وضعیت واجد سرخوردگی یا ناکامی، شرایطی است که در آن فرد بر اساس استانداردهای عینی در تلاش برای کسب یک ارزش با تداوم در بهره‌مندی از آن با مانعی اجتماعی یا فیزیکی روبرو می‌شود. سرخوردگی تنها زمانی ایجاد می‌شود که کنشگر از این اختلال آگاه باشد (گر، ۱۴۰۱، ص. ۳۵). نارضایتی‌ها عمده‌تاً در ابتدا به‌صورت منفرد و به‌تدریج و با توجه به میزان اهمیت موضوع اعتراض و میزان توجه نظام سیاسی به زمینه‌های نارضایتی و توان مدیریتی آن در پاسخگویی به آن‌ها تا حدودی منسجم‌تر شده و در قالب اعتراض‌های اولیه و اجتماعات کوچک، موقت و بدون هدف و روزمره، بروز می‌نمایند. در این مرحله معترضین، نظام سیاسی مستقر را به رسمیت می‌شناسند و همچنان از آن انتظار دارند در قبال نارضایتی‌های اجتماعی، اقدام کند. این نکته تفاوت اعتراض را با انقلاب روشن می‌سازد. از زمانی که اعتراض‌ها بر پایه عدم به رسمیت شناختن نظام حاکم ادامه پیدا کند، جنبش وارد فاز انقلابی می‌شود. این مسیری است

•

که از مرحله بی‌کنشی یک فرد منفعل و بی‌تفاوت نسبت به منافع خود آغاز شده و سپس به فرد کنشگر و حساس نسبت به منافع خود و اطرافیان رسیده و در نهایت به یک کنشگر اجتماعی ختم می‌شود که حاضر است برای دستیابی به خواسته‌های خود، دست به اقدامی عملی بر ضد ساختار سیاسی باوجود هزینه‌های مترتب بر آن بزند.

۳-۱-۱. عوامل شکل‌گیری تقاضاها، نارضایتی‌ها و انتقادات

درمجموع نارضایتی‌ها بسته به علت نارضایتی، ماهیت ناراضیان و مخاطب اعتراض، دارای شکل، شدت و هدف متفاوت خواهد بود. هر یک از افراد جامعه با توجه به شناخت، حساسیت و اولویتی که نسبت به مسائل اجتماعی دارند، همچنین میزان انسجام بین آن‌ها و نوع تصمیم و واکنشی که از جانب دولت‌ها شکل می‌گیرد، تقاضاها و انتقادات متفاوتی مطرح می‌کنند.

۳-۱-۱-۱. تحول ادراکات و آگاهی‌های عمومی

همواره جوامع تحت تأثیر عوامل داخلی و خارجی، دستخوش دگرگونی‌ها، حوادث و رویدادهای خوشایند و ناخوشایند می‌شوند که این دگرگونی‌های محیطی، موجب ایجاد خواسته‌های جدید و تحول در خواسته‌های پایه‌ای موجود می‌شود. اگر چنانچه هر سه عرصه شهروندان، حوزه عمومی و ساختار سیاسی، به‌صورت هماهنگ و یکدست نسبت به این تحولات واکنش نشان دهند، احتمال اینکه رضایتمندی عمومی و ثبات سیاسی حفظ شود بیشتر خواهد بود، در غیر این صورت از دیدگاه جانسون هر وقت محیط و ارزش‌های جامعه‌ای آشکارا هماهنگی خود را از دست بدهند، بحران به وجود می‌آید. گاهی نوآوری‌های درون‌زا (ارزش‌ها و فناوری‌ها) و گاهی نفوذ یا دخالت‌های برون‌زا، محرک بحران می‌شوند (جانسون، ۱۳۶۳، صص ۷۶-۷۴).

۳-۱-۱-۲. تأثیر علایق مختلف افراد

۹ اساساً اینکه افراد در زمان‌های متفاوت واکنش‌های مختلفی نسبت به یک پدیده و موضوع مشترک اجتماعی، نشان دهند، به میزان اولویت موضوع برای آن‌ها برمی‌گردد. افرادی که موضوع نزد آنان از اولویت بالاتری برخوردار باشد، به نسبت دیگران سریع‌تر و جدی‌تر واکنش نشان می‌دهند. به‌عنوان نمونه، در مسیر یک جنبش انقلابی همواره رهبران و کارگزاران یک انقلاب به دلیل علایق بیشتری که نسبت به اهداف انقلاب دارند، زودتر از دیگران کنشگری اعتراضی در پیش می‌گیرند.

۳-۱-۱-۳. میزان فراگیر بودن دامنه و شمولیت خواسته‌های معترضین

برای آغاز یک جنبش، مردم باید به نحوی متوجه شوند که در محرومیت خود تنها نیستند و

دیگران نیز در مشکلات آنان سهیم هستند (درسلر، ۱۳۹۵، صص. ۴۷۵-۴۷۱)؛ بنابراین به هر میزان مجموعه‌ای از خواسته‌ها، انتقادات و مطلوبیت‌ها در عرصه اجتماعی از دامنه، شمولیت، عمومیت و فراگیری بیشتری برخوردار باشند، به همان میزان امکان و ظرفیت استمرار و در صورت عدم واکنش متناسب نظام سیاسی، تبدیل به جنبش اجتماعی و حتی جنبش انقلابی را خواهد داشت.

۴-۱-۳. موقعیت متفاوت کنشگران به هنگام شکل‌گیری نارضایتی‌ها

بروز نارضایتی در هر طبقه و قشری، دلیل متفاوتی دارد (فون، ۱۳۸۴، ص. ۷۴). آن‌چنان‌که آیزنشتات تفاوت قابل توجهی بین تقاضاهای گروه‌های مختلف (احزاب، محافل، دیوان‌سالاری، ارتش و گروه‌های مذهبی) و پاسخ و توانایی حاکمان برای روبرو شدن با این تقاضاها قائل است (پای، ۱۳۸۰، ص. ۱۴۱).

۴-۲-۳. تجمع نارضایتی‌ها و جذب معترضان در قالب جنبش اجتماعی اصلاحی

اعتراض‌های پراکنده و انباشته شده اجتماعی که پاسخ مناسبی از جانب ساختار سیاسی دریافت نکنند، می‌تواند به دو شکل اعتراض‌های (شورش‌های) اجتماعی و جنبش‌های اجتماعی، نمود پیدا کند. از دیدگاه گیدنز به هر میزان کنش‌های اعتراضی از جنبه‌های فردی به جمعی گرایش پیدا کنند، به ویژگی‌های جنبش‌های اجتماعی اعتراض‌آمیز نزدیک‌تر می‌شوند (گیدنز، ۱۳۸۴، صص. ۳۶۳-۳۶۲). اعتراض‌های پراکنده می‌تواند در قالب صورت‌های مختلفی از جنبش‌های اجتماعی پدیدار شوند. بلومر با اشاره به قضیه تبدیل رفتار جمعی ابتدایی به رفتار سازمان‌یافته، معتقد است جنبش اجتماعی در خلال توسعه‌اش دارای سازمان و شکل، مجموعه‌ای از آداب و سنن، رهبری استقرار یافته، تقسیم کار ماندگار، قواعد اجتماعی و ارزش‌های اجتماعی و به‌طور خلاصه فرهنگ، سازمان اجتماعی و طرح جدیدی از زندگی می‌شود (اسملسر، ۱۳۸۰، ص. ۱۲).

۱۰

۴-۲-۳. جایگاه و نقش متفاوت کنشگران در جنبش‌های اجتماعی اصلاحی

در خصوص نحوه و سرعت پیوستن افراد و اینکه کدام بخش از جامعه زودتر و دیرتر در جنبش اجتماعی مشارکت می‌کند و عهده‌دار نقش‌های کلیدی و حمایتی می‌شود، دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است. شکل‌گیری هر کنش جمعی منسجم و به عبارتی جنبش‌های اجتماعی، نیازمند مشارکت اولیه کنشگرانی است که بیشترین قرابت را با ماهیت جنبش دارند. در مرحله تجمع اعتراض‌های منفرد اجتماعی، رهبران و کارگزاران جنبش از یکسو و عموم شهروندان از سوی دیگر جایگاه، نقش و کنشگری متفاوتی دارند (دیر آپ، ۱۳۹۵، ص. ۱۴۶). برای هر جنبش اجتماعی، هواداران و مخالفانی وجود دارد. به تناسب میزان اهمیتی که افراد

برای یک جنبش اجتماعی قائل هستند، به همان نسبت در آن به مشارکت می‌پردازند. به همین دلیل معمولاً در جنبش‌ها گروهی از افراد سریع‌تر از سایرین اقدام به مشارکت می‌کنند که این موضوع اصطلاحاً با عنوان «تسریع‌کننده نخستین» تبیین می‌شود. به این معنا که تعداد اندکی از افراد ابتدا دست به اقدام می‌زنند و به تدریج فعالیت‌های آنان شمار فزاینده‌ای از افراد را در طول زمان جلب می‌کند (دیتر آپ، ۱۳۹۵، ص. ۱۷۰).

۲-۳. شکل‌گیری تدریجی هسته اولیه جنبش

هسته اولیه جنبش، از رهبران انقلابی و کارگزاران انقلابی - به مثابه کنشگرانی که از سوی رهبران انقلابی به درون جنبش جذب شده‌اند - تشکیل شده است (مشیرزاده، ۱۳۹۴، ص. ۹۴). در اغلب موارد برای جلب مشارکت دیگران لازم است حداقل تعدادی از افراد و حداقلی از سرمایه انباشتی اولیه، وجود داشته باشد. به این عده، به تعبیری «توده اصلی» یا هسته اولیه و در این پژوهش رهبران انقلابی گفته می‌شود. در چنین مواردی ابتدا گروهی از افراد برای دستیابی به یک هدف، فعال می‌شوند و سپس دیگران از آنان پیروی می‌کنند. رهبران اولیه هر جنبش اجتماعی، اغلب مبارزانی هستند که به شیوه‌های مختلف عضوگیری می‌کنند، جنبش را سازمان می‌دهند و اهداف آن را مشخص می‌سازند (درسلر، ۱۳۹۵، صص. ۴۷۵-۴۷۱). پس از رهبران انقلابی، در لایه بعدی، کارگزاران انقلاب قرار می‌گیرند که عمدتاً نقش اجرایی و هماهنگی جنبش را بر عهده دارند. کارگزاران انقلابی بیشترین قرابت انگیزه‌ای و اندیشه‌ای را با رهبران انقلابی دارند و به همین دلیل زودتر از دیگران جذب جنبش می‌شوند.

هسته اولیه جنبش از طرق مختلف به جذب افراد به درون جنبش می‌پردازند: ۱. جهت‌گیری بر روی خواسته‌های اجتماعی؛ که به عقیده اسکاچپول، در انقلاب‌های تاریخی، گروه‌های مختلف با انگیزه‌های متفاوت در تنازعات چندگانه و پیچیده شرکت دارند (اسکاچپول، ۱۳۸۹، ص. ۳۵)؛ ۲. تلاش برای جلب اعتماد عمومی به انقلاب؛ رهبران و کارگزاران انقلابی همواره در حال تلاش در این مسیر خواهند بود تا بر اساس نظریه زتومکا، با بهره‌گیری از سه عامل اصلی (شهرت، عملکرد و طرز رفتار) به اعتماد اولیه شکل دهند (زتومکا، ۱۳۸۶، صص. ۱۴۴-۱۲۸)؛ ۳. تلاش برای افزایش ادراک عمومی در خصوص احتمال موفقیت جنبش؛ به گونه‌ای که اگر افراد تصور کنند اعتراض آنان تأثیر زیادی خواهد داشت، آنان برای مشارکت احساس تکلیف خواهند کرد (دیتر آپ، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۲).

۳-۳. جهت‌گیری تدریجی جنبش اجتماعی اصلاحی به جنبش انقلابی

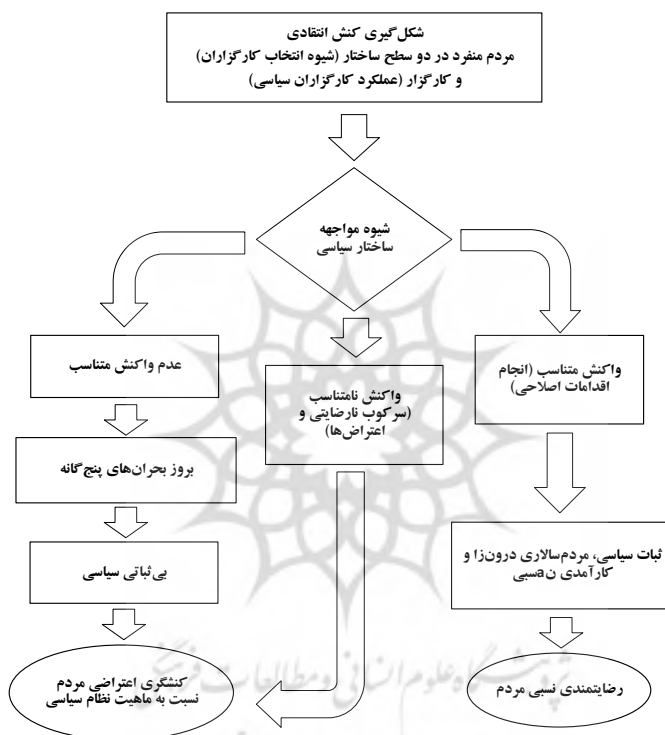
در صورتی که خواسته‌ها و اهداف جنبش اصلاحی از سوی ساختار سیاسی مورد توجه قرار نگیرد، به تدریج قابلیت‌های تبدیل به جنبش انقلابی در آن تقویت می‌شود. در این مرحله رهبران جنبش‌ها به کمک کارگزاران جنبش، تلاش می‌کنند در راستای تبدیل جنبش اصلاحی به انقلابی، اقداماتی با هدف هویت‌بخشی، تبیین ایدئولوژی و انسجام‌بخشی به جنبش، صورت دهند. رهبران و کارگزاران انقلابی، تلاش می‌کنند تا توان^۱ جنبش اجتماعی که به تعبیر تیلی حاصل ضرب چهار مؤلفه تعداد، ارزشمندی، وحدت و تعهد است، افزایش دهند (مشیرزاده، ۱۳۹۴، ص. ۱۴۲؛ تیلی، ۱۳۹۶، ص. ۲۹).

۱-۳-۳. عملکرد نامتناسب ساختار سیاسی در قبال جنبش و بروز بی‌ثباتی

اینکه کارگزاران حکومتی به‌عنوان مخاطب اعتراض‌ها، چگونه باید در قبال جنبش واکنش نشان دهند، تأثیر زیادی در ماهیت، استمرار و شدت اعتراض‌ها خواهد داشت. مخاطب اعتراض‌ها می‌تواند بین پیوستاری اعم از تصمیمات یا سیاست‌های دولت، کارگزاران سیاسی، ماهیت یا عملکرد دولت و کلیت ساختار سیاسی متغیر باشد. هر چه از ابتدای پیوستار فوق به انتهای آن برویم، نحوه مواجهه ساختارهای سیاسی غیرمنطقی‌تر، خشونت‌آمیزتر و درعین حال آشفته‌تر می‌شود. ناتوانی ساختار سیاسی در پاسخگویی به اعتراض‌های پراکنده و خواسته‌ها و اولویت‌های جنبش‌های اجتماعی و انفعال در برابر انتقادات، منجر به بروز بحران‌های فزاینده و مزمن خواهد شد و این بحران‌ها به تدریج فضای سیاسی را به سمت بی‌ثباتی خواهد برد. حل و فصل بحران‌های چندگانه و غلبه بر آن‌ها، نیازمند انرژی و توان بیشتری است و ساختار سیاسی‌ای که در آماج انتقادات و اعتراض‌های مستمر قرار گرفته، چندان توان و ظرفیت لازم برای مقابله را نخواهد داشت. درواقع بحران‌های چندگانه، موجب نشانگان جنبش انقلابی خواهند شد. به‌عنوان نمونه، در نگاه ساختاری اسکاچپول، مبنای اولیه انقلاب به موضوع چالش کشیده شدن توانمندی‌های بوروکراتیک و مدیریتی دولت برمی‌گردد. ساختارهای یک دولت در مانده یا ضعیف، زمانی که با چالش مواجه می‌شوند، شروع به فروپاشی می‌کنند و سپس به عرصه رقابت نیروهای تبدیل می‌شوند که در آینده، قدرت دولت را به دست می‌آورند (بک، ۱۳۹۸، ص. ۸۶).

در برابر کنش‌های منسجم و غیرمنسجم انتقادی در عرصه اجتماعی نسبت به شیوه انتخاب کارگزاران و عملکرد آن‌ها، ساختار سیاسی سه گونه رفتار متمایز می‌تواند بروز دهد. اول واکنش متناسب و انجام تصمیمات و اقداماتی اصلاحی در راستای رفع مبنای اعتراض‌ها و

انتقادات که نتیجه آن برقراری نسبی رضایتمندی در جامعه است؛ اما دو نوع مواجهه، یکی عدم واکنش و دیگری واکنش نامتناسب اعم از مخالفت و اعمال فشار بر روی مخالفان، زمینه را برای تشدید اعتراض‌ها و انتقادات و حرکت در مسیر کنشگری اعتراضی نسبت به کلیت ماهیت نظام سیاسی فراهم می‌نماید.



شکل ۲. اشکال و نتایج مواجهه ساختار سیاسی با کنش‌های انتقادی

نتیجه نهایی عدم واکنش متناسب نظام سیاسی، شکل‌گیری بی‌ثباتی سیاسی خواهد بود. در وضعیت بی‌ثباتی سیاسی، نظم سیاسی موجود، با چالش یا بحران مواجه شده و احتمال تغییرات سیاسی افزایش می‌یابد. همچنین معمولاً کارآمدی دستگاه‌های حکومتی کاهش می‌یابد؛ فعالیت‌های اقتصادی مختل می‌شود؛ احتمال خشونت‌های سیاسی بالا می‌رود؛ واگرایی‌های داخلی و مداخلات خارجی افزایش می‌یابد؛ امنیت روانی و اجتماعی تضعیف می‌شود و زمینه برای دگرگونی‌های غیرمترقبه فراهم می‌شود (دلاوری، ۱۳۹۴، ص. ۶۱). علل بی‌ثباتی سیاسی را

می‌توان شامل کاهش قدرت سیاسی دستگاه حکومتی به‌عنوان زمینه‌ساز کشمکش‌های سیاسی، آنومی سیاسی به‌مثابه عدم التزام کنشگران به قواعد جامعه سیاسی، کاهش مشروعیت، ضعف دموکراسی و وجود فرهنگ سیاسی دگرساز دانست (خرمشاد و محمدی لرد، ۱۳۹۲، صص ۳۸-۳۷). گلدستون شکل‌گیری بی‌ثباتی سیاسی را یکی از شروط اصلی بروز انقلاب‌ها و آن را در قالب مفهوم «تبادل ناپایدار» بیان می‌کند. از دیدگاه او جامعه دارای «تبادل پایدار»^۱ مانند سدی در برابر گسترش شورش و ایدئولوژی‌های انقلاب عمل می‌کند (گلدستون، ۱۳۹۷، ص ۳۱). انقلاب در جامعه‌ای رخ می‌دهد که از تبادل پایدار به سمت تبادل ناپایدار تغییر جهت دهد که در این موقعیت، حتی یک اختلال کوچک می‌تواند یک جنبش شتابان به سمت نابسامانی بیشتر را به راه اندازد و رژیم موجود را سرنگون سازد (گلدستون، ۱۳۹۷، صص ۳۴-۳۳).

۳-۳-۲. هویت‌سازی برای جنبش در راستای استمرار و تثبیت جنبش

جنبش‌های انقلابی برای تداوم و استمرار تا رسیدن به هدف نهایی، نیازمند ایجاد هویت‌های باثبات در میان مشارکت‌جویان هستند (بک، ۱۳۹۸، ص ۵۱). هویت‌یابی جنبش‌های انقلابی به‌صورت تدریجی و از همان مراحل آغازین شکل‌گیری اعتراض‌های پراکنده و منفرد و پس از آن در هنگام تبدیل اعتراض‌ها به جنبش اجتماعی و در زمان شکل‌گیری هسته اولیه جنبش با ترکیب کنشگران حساس نسبت به مسائل اجتماعی، محقق می‌شود.

۳-۳-۲-۱. عناصر هویت‌بخش به جنبش‌های انقلابی

ایدئولوژی: ایدئولوژی از عناصر نرم‌افزاری انقلاب است که به آن هویت می‌بخشد و مردم را متقاعد می‌کند تا به‌صورت گسترده و عمیق وارد حوزه سیاست و تبعات خشونت‌آمیز انقلاب شوند. در این دیدگاه در بین مجموعه ایدئولوژی‌های مدعی، هر کدام که قدرت مجاب‌کنندگی و مقبولیت آن در میان عموم مردم بیشتر باشد، تبدیل به ایدئولوژی انقلاب می‌گردد (خرمشاد، ۱۳۹۷، ص ۲۱).

فرهنگ‌های سیاسی: فوران معتقد است معمولاً نیروهای اجتماعی سازنده انقلاب‌ها، فرهنگ‌های سیاسی مبتنی بر مقاومت و مخالفت موجود در بطن جامعه را مورد تفسیر و بازسازی قرار می‌دهند. چنین فرهنگ‌هایی هر چیزی را از خاطره‌های تاریخی ستیزه‌های گذشته تا احساسات خام درباره بی‌عدالتی، روش‌ها و فعالیت‌های دیرینه مذهبی، آرمان‌گرایی‌های سیاسی رسمی و مدون، برگرفته و به سمت آنچه مناسب تشخیص می‌دهند، می‌برند (فورن، ۱۳۸۴، صص ۲۷۳-۲۶۸).

1. Stable equilibrium

روایت: از دیدگاه فردریک میر، لازمه شکل‌گیری و ثمربخشی کنش جمعی، وجود روایتی منطقی و قانع‌کننده درباره ضرورت پیوستن به جمع و باقی‌ماندن کنار دیگران تا رسیدن به هدف است (میر، ۱۳۹۹، ص. ۹). از دیدگاه او روایت‌ها، محرک کنش‌های افراد و ابزاری شناختی هستند و افراد، جهان را به واسطه روایت‌هایی که درباره‌اش گفته می‌شود درک می‌کنند (میر، ۱۳۹۹، ص. ۳۱). درواقع روایت‌ها گاهی هویت افراد را تغییر می‌دهند و آن‌ها را قادر می‌سازد روایت زندگی متفاوتی را تصور کنند و خود را در نقش دیگر ببینند (میر، ۱۳۹۹، ص. ۱۶۰).

۳-۳-۲-۲. کارکردهای هویت در جنبش‌ها

در خصوص کارکردهای هویت در مسیر جنبش‌های انقلابی، موارد مختلفی مطرح شده است. با توجه به اینکه جنبش‌ها بنا بر خصوصیت‌هایشان میان دوره‌های آشکاری و نهفتگی^۱ در نوسان هستند، یکی از مهم‌ترین کارکردهای هویت‌های جمعی، فراهم نمودن امکان تداوم جنبش در مواقع فروکش کردن فعالیت‌های عمومی (تظاهرات و بیانیه‌ها و...) است (دلپورتا و دیانی، ۱۳۸۴، ص. ۳۱). همچنین هویت‌ها موجب می‌شوند تا مشارکت افراد بر پایه منافع شخصی محدود شده و نوعی موازنه بین منافع و هویت جمعی به‌عنوان انگیزه‌های مشارکت ایجاد می‌شود (جانستون، ۱۳۹۸، ص. ۴۴). رهبران انقلابی از طریق تعریف هویت‌های جدید، می‌توانند نقش افراد تازه جذب شده را از منفعل به فعال، تبدیل نمایند (نش و اسکات، ۱۳۹۴، ج ۱، ص. ۲۹۴). هویت جمعی، به‌عنوان یکی از مشوق‌های همبستگی درونی در جنبش‌ها عمل می‌کند (جانستون، ۱۳۹۸، ص. ۴۳). از جمله دلپورتا و دیانی، معتقدند هویت، نقشی مرکزی در هماهنگ‌سازی رفتارهای اعتراضی ایفا می‌کند (دلپورتا و دیانی، ۱۳۸۴، ص. ۱۶۰). از دیدگاه هنک جانستون، ایده‌های یکپارچه‌ساز حفظ‌کننده وضعیت تعاملی درون جنبش گروه‌ها و شکل‌دهنده به اعتراض‌ها هستند و به تعبیری از آن‌ها به عناصر اصلی بُعد مفهوم‌پردازانه - تفسیرگرانه جنبش‌های اجتماعی یاد می‌شود که علاوه بر هویت‌های اجتماعی که در بالا اشاره شد، شامل ایدئولوژی‌ها، فریم‌ها یا چهارچوب‌های کنش جمعی^۲ و منافع جمعی هستند (جانستون، ۱۳۹۸، صص. ۳۹-۳۳). معمولاً هویت جنبش‌ها تعیین‌کننده اهداف آن هم خواهد بود. هر سازمان جنبشی، دارای یک مجموعه اهداف معین شامل مجموعه‌ای از تغییرات موردنظر در نظامی که ادعا می‌شود درست کار نمی‌کند، است (مک‌کارتی و زالد، ۱۳۹۷، ص. ۳۱).

1. Latent and manifest periods

2. Collective action frames

۳-۳-۳. تأثیر انسجام بخشی در استمرار و انقلابی شدن جنبش

اغلب پژوهش گران جنبش های انقلابی، بعد از موضوع هویت جمعی، مهم ترین متغیر مؤثر بر گذار جنبش اجتماعی اصلاحی به انقلابی را موضوع انسجام درونی میان اعضا (رهبران و کارگزاران انقلاب) و مشارکت کنندگان در جنبش، بیان می کنند. عمل جمعی از سوی گروه های اجتماعی خاص، هنگامی آسان تر می شود که این گروه ها از دو ویژگی برخوردار باشند: ۱. به سادگی قابل شناسایی و از گروه های اجتماعی دیگر قابل تمیز باشند (دارای هویت باشند)؛ ۲. به واسطه وجود شبکه های اجتماعی بین اعضایشان، دارای سطح بالایی از انسجام درونی و یک هویت مشخص باشند (دلپورتا و دیانی، ۱۳۸۴، صص. ۵۲-۵۱). از نظر اوبرشال، زمینه اجتماعی جنبش های اجتماعی، درست برخلاف دیدگاه جنبش توده ای، وجود انسجام گروهی، سازمان دهی و تشکیل در میان جمعیت، قبل از تحقق بسیج است؛ بنابراین شرکت کنندگان جنبش های اجتماعی از افراد جذب شده در درون جمع های متشکل و نه اشخاص منزوی و ذره ای شده هستند (مشیرزاده، ۱۳۹۴، صص. ۱۳۸-۱۳۷).

۳-۳-۴. جلوگیری از واگرایی تدریجی کنشگران جذب شده

از دیگر متغیرهایی که می تواند جنبش اجتماعی را به جنبش انقلابی مبدل کند، افزایش و عمیق شدن تدریجی تعهد افراد نسبت به جنبش است. تعهد نسبت به جنبش باید از طریق روابط متقابل با جنبش حفظ شود و هر اقدامی که این روابط را رضایت بخش سازد به حفظ تعهد کمک می کند. دانتون و وهر، موضوعاتی چون رهبری، ایدئولوژی، سازمان، مناسک و حلقه دوستان را به عنوان سازوکارهای تعلقات اجتماعی بیان می کنند که جنبش ها برای حفظ تعهد به کار می برند (کلاندرمانز، ۱۳۹۷، ص. ۹۱).

۱۶

۳-۴. تداوم و گسترش جنبش انقلابی به واسطه فرایند بسیج

به هر میزان یک جنبش انقلابی از مراحل اولیه به مراحل پایانی خود نزدیک می شود، ضرورت جذب بیشتر مردم و کنشگرانی که تاکنون به جنبش نپیوسته اند، دوچندان خواهد شد. در مرحله بسیج، رهبران و کارگزاران انقلابی تلاش می کنند، به طرق مختلف نسبت به جذب اقشار یاد شده به درون جنبش اقدام کنند تا اجماع نهایی برای کنش های میدانی انقلابی مهیا شود. به هر میزان جنبش انقلابی در مسیر هویت یابی و هویت بخشی، عملکرد مطلوبی داشته باشد، در مسیر بسیج منابع موفق تر عمل خواهد کرد. چارلز تیلی در نظریه های خود به بحث در مورد چگونگی حرکت جنبش های اجتماعی از سازمان دهی به بسیج حول محور منافع

مشترک و سرانجام تحقق کنش جمعی کارآمد در ساختارهای خاص فرصت می‌پردازد (تیلی، ۱۳۸۸). به عبارت دیگر، هنگامی که ساختار سیاسی از انجام راهکارهای عملی و اقناعی جهت حل و فصل بحران‌های سیاسی، ناتوان باشد، رهبران و کارگزاران انقلابی با بهره‌گیری از توان اجرایی کنشگران انقلابی، تلاش‌هایی مقدماتی جهت جلب حداکثری مردم عادی برای پیوستن به جنبش انقلابی را آغاز می‌کنند. این فرایند در ادبیات جنبش‌های انقلابی، با مفهوم بسیج بیان می‌شود. می‌توان گفت به‌جز رهبران و کارگزاران انقلاب، مردم عادی با توجه به انگیزه مشارکت خود به سه دسته تقسیم می‌شوند. گروهی از مردم عادی با نگاهی اعتقادی و ادراکی‌ای که نسبت به اهداف انقلاب پیدا می‌کنند به آن می‌پیوندند. گروهی با نگاه منافع مادی انتفاع شده از جنبش انقلابی و منافع فردی و گروهی نیز تحت تأثیر عوامل احساسی و هیجانی وارد جریان انقلاب می‌شوند.

به گفته مک‌کارتی و زالد، اولین کارکرد بسیج منابع، تبدیل هواداران جنبش به عناصر حامی و سپس آن‌ها را همراه جنبش نگه‌داشتن است. به بیان دیگر، بسیج منابع باید بتواند غیر طرفداران یا «تماشاگران عمومی» که حداقل مخالف جنبش نیستند را به طرفداران جنبش تبدیل کند (مک‌کارتی و زالد، ۱۳۹۷، صص ۳۲-۳۳).

۱-۴-۳. عوامل مؤثر بر شدت، زمان‌بندی و دامنه بسیج

۱-۴-۳-۱. میزان اقناع شدن عموم مردم در مورد اهداف جنبش

مفهوم تحلیل «چهارچوب‌های تفسیر»^۱ این امکان را مهیا می‌کند که فرایند انتساب معنا را که در پشت وقوع هر منازعه‌ای قرار دارد، قابل درک نماید. در حقیقت تولید سمبلیک، افراد را قادر می‌سازد که به وقایع و رفتارها و افراد و گروه‌ها، معنایی را نسبت دهند که شروع بسیج را تسهیل می‌کند (دلپورتا و دیانی، ۱۳۸۴، صص ۱۰۷-۱۰۵).

۱-۴-۳-۲. میزان نزدیکی اهداف جنبش با خواسته‌های اجتماعی

اهداف و انگیزه‌های کنشگران، در هر مرحله متفاوت است و نمی‌توان انگیزه افراد را در مراحل اولیه و مراحل نهایی یکسان دانست. از دیدگاه دیتر آپ، شدت بالای انگیزه‌ها در میان افراد، شرط مهمی برای مشارکت گسترده محسوب می‌شود. در خصوص شدت انگیزه‌ها نوعی نابرابری وجود دارد. برخی به دلیل علاقه زیاد به کالای عمومی (خیر جمعی) و اعتقاد به توانایی برای ایجاد تغییر (اثربخشی بالا) در میان نخستین افرادی خواهند بود که مشارکت خواهند کرد (دیتر آپ، ۱۳۹۵، ص ۱۶۸).

1. Interpretative frames

۳-۴-۱-۳. میزان دسترسی به منابع بیشتر

به هر میزان یک حرکت اعتراض آمیز به منابع متعددی (ثروت، اسلحه، اطلاعات، اقتدار و فنون ارتباطات سازمانی) دسترسی داشته باشد و از این منابع به گونه‌ای مؤثر جهت غلبه بر مخالفت‌ها، هماهنگ کردن اهداف مختلف و بسیج گروه‌های بی تفاوت بهره جوید، امکان موفقیت سیاسی آن بیشتر خواهد بود (اپتر و اندرین، ۱۳۸۰، ص. ۲۰۳).

۳-۴-۱-۴. میزان شدت سرکوب نیروهای انقلابی

از بین متغیرهای ساختاری می توان به میزان اعمال زور به وسیله دولت، توانایی رهبران معترض در ایجاد ائتلاف با سایر گروه‌ها، میزان مخالفت نخبگان ذی نفوذ در برابر حرکت‌های اعتراض آمیز و قدرت مؤسسات فراملیتی جهت مانع یا تسهیل فعالیت‌های حرکت اعتراض آمیز اشاره کرد (اپتر و اندرین، ۱۳۸۰، ص. ۲۰۳).

۳-۴-۲. مراحل بسیج

۳-۴-۲-۱. پدیدار شدن رویدادهای حاد

از دیدگاه دیتر آپ، آغاز فرایند بسیج از «طرح ناگهانی شکایات» یا «رویداد حاد» آغاز می شود. این رویداد، انگیزه‌های عمده را برای کنش جمعی تغییر می دهد (دیتر آپ، ۱۳۹۵، صص. ۱۶۴، ۱۷۱).

۳-۴-۲-۲. وجود سازمان‌دهی اولیه در جنبش

اوبرشال، از نظریه پردازان بسیج منابع، سازمان‌ها را عامل کلیدی بسیج جنبش‌های اجتماعی می داند. از دیدگاه او به جای شهروندان منزوی شده و پریشان که رهبران آن‌ها را اداره می کنند، مردم به عنوان اعضای گروه‌ها به جنبش می پیوندند (جانستون، ۱۳۹۸، ص. ۶۸).

۳-۴-۲-۳. تأثیرپذیری از مشارکت دیگران

به لحاظ شناختی و اجتماعی کارزارهای بسیج، موجب قطبی شدن یک جمعیت می شود. کنش برای بسیج، جبراً گفتمان عمومی را تغییر می دهد. در رسانه‌ها و در گفتگوهای غیررسمی در میان شهروندان، گفتمان عمومی به شدت به نکات برنامه مبارزاتی متمرکز می شود. در نتیجه شهروندان و کشران اجتماعی مجبور به اتخاذ موضع می شوند و محدوده‌های بی تفاوتی کوچک تر می شود (کلاندرمانز، ۱۳۹۷، ص. ۹۸).

۳-۴-۲-۴. گسترش دامنه جغرافیایی بسیج

افزایش دامنه بسیج به معنای گسترش وسعت جغرافیای آن و مشارکت فراگیر و چند شهری

مردم در جنبش انقلابی، از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی است که تأثیر فراوانی در گسیل جنبش انقلابی به رویداد انقلاب دارد. این روند، از طریق کانال‌های ارتباطی ایجاد شده بین رهبران و کارگزاران انقلابی با کنشگران انقلابی حاضر در مناطق جغرافیایی مختلف یک واحد سیاسی، ایجاد می‌شود. البته که ماهیت و نقش این کانال‌های ارتباطی در هر منطقه جغرافیایی، بر ماهیت جنبش تأثیر مستقیمی دارد و با شناخت این کانال‌های ارتباطی می‌توان اهداف و ماهیت جنبش را تخمین زد

۵-۲-۳. بروز اعتراض‌های میدانی اولیه

اعتراض‌های میدانی، مجموعه‌ای از کنش‌های اعتراضی تا حدودی خشونت‌آمیز در انتظار عمومی خواهد بود که نشانگر وجود یک اعتراض شدید و گسترده در میان گروهی از افراد جامعه است. جانستون از این اعتراض‌ها اصطلاحاً به «پرفورمنس‌های اجتماعی» شامل حوزه‌های کنش جمعی (اعتراض‌های خیابانی، تظاهرات، اعتصابات، راهپیمایی‌ها و سخنرانی‌ها پلاکاردها) که از سوی کنشگران به نمایش گذاشته می‌شود، یاد کرده است (جانستون، ۱۳۹۸، ص. ۱۴۵).

۵-۳. خیزش انقلابی و آغاز فرایند وقوع انقلاب

آخرین مرحله از مسیر جنبش انقلابی، مرحله خیزش انقلابی و آغاز فرایند وقوع انقلاب است. در این مرحله، کلیه فعالیت‌ها و تحولات در عرصه اجتماعی، به عرصه سیاسی تسری می‌یابد. فرایند بسیج منابع، به تدریج به نتیجه عملیاتی می‌رسد و تمام مؤلفه‌ها، متغیرها، زمینه‌ها، شرایط و عوامل دست‌به‌دست هم می‌دهند تا وقوع انقلاب را از حالت بالقوه به بالفعل تبدیل کنند. درواقع آنچه به عناصر نرم‌افزاری انقلاب از آن یاد می‌شود، یعنی تغییر و تحول بنیادین گسترده و عمیق نظام سیاسی؛ خشونت که عموماً به دلیل مقاومت نظام سیاسی حکم حادث می‌شود و شدت و سرعت (خرمشاد، ۱۳۹۷، صص ۲۲-۲۱) عمدتاً در این مرحله قابلیت تحقق پیدا می‌کنند. مهم‌ترین شاخصه‌های این مرحله به کنشگری‌های انقلابی در عرصه میدانی برمی‌گردد و انقلابیون که به تدریج قدرت لازم را کسب کرده‌اند، به طرق مختلف تلاش می‌کنند با تسخیر قدرت سیاسی، انقلاب را به معنای واقعی و عینی محقق سازند.

۱-۵-۳. گسترش اجماع انقلابی

هر زمان رهبران، کارگزاران، کنشگران و عموم مردم، در خصوص پیوستن به جنبش انقلابی با هدف تغییر ساختار سیاسی حاکم به یک خواست واحدی برسند، اجماع انقلابی حاصل می‌شود. در نگاهی کلاسیک از دیدگاه گلدستون، انقلاب‌ها زمانی حادث می‌شوند که حکام ضعیف و

منزوی باشند، نخبگان به جای آنکه از حکومت دفاع کنند، شروع به حمله به آن نمایند و مردم نیز به این باور برسند که آن‌ها بخشی از یک گروه پرشمار و متعهدند که می‌توانند با همدیگر دست به تغییر بزنند (گلدستون، ۱۳۹۷، ص. ۱۸). در مرحلهٔ اجماع انقلابی، اجماع در دو سطح انجام می‌پذیرد. سطح اول، اجماع بین رهبران، کارگزاران انقلاب و کنشگران انقلابی مبتنی بر تعهد کنشگران در قبال یک هویت مشخص و سازمان‌دهی انقلابی بر اساس آن خواهد بود. اجماع سطح دوم بین دسته‌یاد شده، یعنی رهبران، کارگزاران و کنشگران انقلابی هویت یافته، منسجم و متعهد، از یکسو و بخش زیادی از عموم مردم منفعل و افراد معروف به «تماشاگران عمومی» از سوی دیگر، شکل می‌گیرد. در این حالت افراد مردم و تماشاگری که تاکنون به جنبش انقلابی نپیوسته‌اند یا متقاعد می‌شوند که به انقلاب بپیوندند یا به رهبران انقلابی در مورد آیندهٔ ترسیم شده اعتماد می‌کنند و وارد جنبش انقلابی می‌شوند.

درجه اجماع مراحل انقلاب	کنشگران دخیل در جنبش انقلابی			
	رهبران انقلابی	کارگزاران انقلابی	کنشگران انقلابی	عموم مردم
مرحلهٔ اول	متوسط	پایین	پایین	پایین
مرحلهٔ دوم	متوسط	متوسط	پایین	پایین
مرحلهٔ سوم	بالا	متوسط	متوسط	پایین
مرحلهٔ چهارم	بالا	بالا	متوسط	متوسط
مرحلهٔ پنجم	بالا	بالا	بالا	متوسط

شکل ۳. درجه اجماع انقلابی در مراحل پنج‌گانه جنبش انقلابی

۲-۵-۳. تشدید خشونت نظام مستقر

از دیدگاه تیلی به هر میزان به لحظهٔ انقلاب نزدیک‌تر شویم در یک سر طیف، حفظ یا احیای وضع موجود و در سر دیگر آن، حذف کامل اعضای پیشین جامعهٔ سیاسی وجود دارد (تیلی، ۱۳۸۸، ص. ۲۸۰). گروه‌های عضو هیأت حاکمه که در منابع تحت کنترل حکومت سهیم هستند، می‌کوشند از این منابع برای تأثیرگذاری بر سیاست‌های حکومت استفاده کنند. درحالی‌که گروه‌های بیرون از هیأت حاکمه که مشارکتی در منابع تحت کنترل حکومت ندارند، می‌کوشند با بسیج منابع موجود در دسترس خود، حکومت و سیاست‌های آن را به چالش کشیده، بر آن تأثیر بگذارند و حتی حکومت را به تصرف درآورند (دلاوری، ۱۳۸۳، ص. ۱۲۱). در این مرحله

از آنجایی که نظام حاکم، موجودیت خود را در معرض نابودی می‌بیند، تلاش می‌کند در حالی از همه ابزارهای موجود در راستای حفظ قدرت خود استفاده کند که از ظرفیت‌های لازم برای سرکوب برخوردار نبوده و اعتراض‌ها و کنش‌های انقلابی طولانی‌مدت، توان مقاومت را کاهش داده است.

۳-۵-۳. افزایش حداکثری شدت و دامنه خشم انقلابی

با نزدیک شدن لحظه انقلاب، خشم انقلابی مشارکت‌کنندگان در جنبش انقلابی، شدت، وسعت و دامنه بیشتری پیدا می‌کند. در مراحل نزدیک به سرنگونی رژیم، مشارکت مردمی به بالاترین حد خود می‌رسد (پناهی، ۱۳۸۹، ص. ۷۸). در واقع در این مرحله ابزارهای نهادی یعنی رأی دادن، لابی‌گری و قانون‌گذاری که در درون نهادهای سیاست به کار گرفته می‌شوند، چندان کاربردی ندارند. جنبش انقلابی در وضعیت رادیکالی قرار گرفته و نزاعی فراتر از روال عادی سیاست در جامعه به‌منظور ایجاد تغییری اساسی در ساختارهای فرهنگی، اقتصادی و سیاسی از طریق ابزارهای برون‌نهادی، درمی‌گیرد. این ابزارها، مانند اعتراض، تحریم،^۱ تحصن، آتش‌سوزی، خشونت و... اقداماتی هستند که به‌مثابه بخشی از حکمرانی نهادینه‌شده یا حتی فعالیت جنبش اجتماعی شناخته نمی‌شوند، بلکه اغلب چهارچوب گریز^۲ و نوآر است و ضرورتاً مستلزم خشونت، مخاطره‌جویی و نقض قانون است (پک، ۱۳۹۸، صص. ۲۶-۲۷).

۳-۵-۴. آشکار شدن نشانگان لحظه انقلاب و درنهایت فروپاشی نظام سیاسی

پس از فروپاشی اقتدار دولت، لحظه انقلاب، فرا می‌رسد. لحظه‌ای که در آن، رژیم مستقر فرو می‌پاشد و گروه حاکمه جدید جانشین آن می‌شود. در لحظه انقلاب، قدرت سیاسی و ابزارهای اعمال قدرت از دست رژیم حاکم خارج شده و انقلابیون آن را تسخیر می‌کنند. در انقلاب‌ها زمان تسخیر قدرت، متفاوت است؛ اما معمولاً در این زمان، عنصر خشونت به نسبت ماهیت انقلاب به بالاترین حد خود رسیده و تحولات، بسیار سریع و عمیق اتفاق می‌افتند. در این مرحله دو طرف آخرین تلاش‌ها، توانایی‌ها و ظرفیت‌های خود را یکی برای ماندن و دیگری برای انقلاب، به کار می‌گیرند. آنچه سرنوشت نهایی یک انقلاب را رقم خواهد زد، همین مرحله خواهد بود و هر یک از دو طرف که قدرت مقابله و مقاومت بیشتری را داشته باشند، می‌توانند بر سرنوشت انقلاب تأثیرگذار باشند.

1. Boycott

2. Transgressive

از دیدگاه هانتینگتون یک انقلاب تمام‌عیار، دربرگیرنده نابودی نهادهای سیاسی و الگوهای مشروعیت پیشین، کشیده شدن گروه‌های تازه به صحنه سیاست، تعریف جدیدی از مشارکت سیاسی، پذیرش ارزش‌های سیاسی نوین و مفاهیم تازه‌ای از مشروعیت سیاسی، قبض قدرت به دست نخبگان سیاسی نوپدید و پویاتر و آفرینش نهادهای سیاسی جدید و نیرومندتر است (هانتینگتون، ۱۳۸۲، ص. ۴۴۷)؛ بنابراین در مراحل پایانی جنبش انقلابی، اقدامات انقلابی از یکسو و میزان واکنش نظام سیاسی حاکم، موجب بروز و به تدریج افزایش حوادث انقلابی می‌شود. لحظه انقلاب زمانی است که انحصار قدرت نزد ساختار سیاسی مستقر در نهایت از بین رفته و انقلابیون موفق به در دست گرفتن ساختارهای سیاسی شده و در نتیجه فرایند جابجایی نخبگان سیاسی سابق با نخبگان سیاسی انقلابی آغاز می‌شود. در لحظه انقلاب معمولاً اوج و نهایت اقدامات خشونت‌آمیز بین دو طرف شکل می‌گیرد و در اینجا نبردی میان حافظان وضعیت پیشین با مدعیان وضعیت انقلابی درمی‌گیرد.

نتیجه‌گیری

در نگاه فراترکیبی بین الگوها و نظریات مطرح شده در مورد انقلاب می‌توان به سه نتیجه کلی دست یافت. اول اینکه شکل‌گیری و تداوم جنبش انقلابی فراگیر و پیش‌رونده، از رهگذر پنج مرحله با ماهیت و اقتضائات متفاوت صورت می‌گیرد. این مراحل با توجه به توان کنشگران انقلابی و در مقابل توان ساختار سیاسی و قدرت پاسخگویی به خواسته‌های کنشگران انقلابی، قدرت برگشت‌پذیری و پیش‌روندگی دارند. اگر متغیرها و عوامل، موجب پیش‌روندگی هر مرحله شود، گذار به مرحله بعد آغاز می‌شود. دوم اینکه هر مرحله با توجه به ماهیت و ویژگی‌هایی که دارد، به صورت مجزا با نظریه یا رهیافت خاصی قابل تبیین است. دسته‌بندی پنج‌گانه ارائه شده در روش‌شناسی پژوهش قابلیت ارائه شدن به عنوان مجموعه نظریات به هم پیوسته و مکمل را دارند که به صورت مرحله‌ای تبیین روند رو به جلوی انقلاب را از طریق ایجاد پیوندی منسجم و نظام‌مند بین رهیافت‌های روان‌شناختی، اقتصادی، جامعه‌شناختی و سیاسی انجام می‌دهد. سوم اینکه کنشگران، نقش متفاوتی را در هر مرحله از مسیر انقلاب ایفا می‌کنند؛ بنابراین برای شکل‌گیری و تداوم یک جنبش انقلابی فراگیر و پیش‌رونده، مجموعاً می‌توان فرایندی در پنج مرحله و برای هر مرحله پنج سطح از کنشگری شامل عموم مردم، کنشگران (رهبران، کارگزاران انقلاب و کنشگران انقلابی) و کارگزاران دولتی متصور شد که ماهیت تعاملات بین پنج سطح یاد شده در روند پیش‌رونده انقلاب مؤثر هستند. در هر یک از مراحل

پنج گانه اشاره شده از مراحل شکل گیری انقلاب ها، نوع عملکرد، تعاملات و جهت گیری ها بین سطوح یاد شده موجب حرکت پیش رونده و برگشتی جنبش انقلابی می شود.

۱. در سطح اول که به جایگاه عموم مردم مربوط می شود، جنبش انقلابی می بایست به بیشترین سطح از کنشگری های انقلابی در مراحل مختلف و در بیشترین دامنه جغرافیایی منتهی شود. روند کنشگری از پیوستار کناره گیری عرصه اجتماعی آغاز شده و به مشارکت در عرصه های انقلابی پایان می پذیرد. کنشگری عموم مردم عمدتاً وابسته به چهار متغیر است: - ماهیت خواسته ها، انگیزه ها و نیازهای فردی و اجتماعی افراد (اعم از اقتصادی، فرهنگی، عدالت خواهانه و ...)

- تحولات جدید در محیط پیرامونی که یا خاستگاه خارجی و بین المللی یا خاستگاه داخلی داشته و از جمله می توان سیاست ها و اقداماتی برخلاف نیازها، مطلوبیت ها و تقاضاهای داخلی از جانب دولت اشاره کرد.

- متغیر سوم به توانایی کارگزاران انقلاب در جذب کنشگری های منفرد و تبدیل آن به یک جمع منسجم و هدفمند مرتبط می شود.

- متغیر چهارم به عملکرد و سیاست های ساختار سیاسی برمی گردد. اعم از اینکه تا چه میزان دولت ها شناختی دقیق و میدانی از خواسته ها و مطلوبیت های عموم مردم دارند. علل تغییر در خواسته ها و مطلوبیت ها را تشخیص داده و پاسخی متناسب با آن داشته باشند.

۲. سطح دوم که شامل کنشگران است به توان بسیج آن ها از طریق قدرت جذب، انسجام بخشی، هویت بخشی، ایجاد تعهد، ترسیم آینده و ... مربوط می شود.

کارگزاران انقلابی در هر مرحله با شیوه های مختلف و با کسب شناخت دقیق از خواسته ها و نیازهای عموم مردم، افق ها و چشم اندازهایی را برای تأمین آن ها مطرح می کنند و از این طریق عموم مردم به تدریج از مرحله انفعال خارج شده و در قالب یک کنشگر سیاسی، جذب جنبش های اجتماعی و انقلابی می شوند. البته جذب افراد، متناسب با آستانه تحریک پذیری متفاوت آن ها نسبت به اهداف جنبش متفاوت خواهد بود. برخی از کنشگران که معمولاً تعداد اندکی به نسبت کل جامعه هستند و بیشترین حساسیت را نسبت به اهداف جنبش دارند، در همان مراحل آغازین فرایند انقلابی، جذب می شوند (کارگزاران انقلابی) و به تدریج افراد به نسبت حساسیتی که نسبت به اهداف جنبش دارند جذب آن می شوند (کنشگران انقلابی و بخشی از عموم مردم منفعل) و معمولاً بیشترین تعداد جذب شدگان به مراحل پایانی آن مربوط می شود (بخش دیگری از عموم مردم منفعل).

دومین عامل در افزایش توان بسیج کارگزاران انقلابی، به قدرت انسجام بخشی به کنشگران جذب شده در جنبش برمی گردد.

برای اینکه مشارکت کنندگان در جنبش در طول فرایند پرفرازونشیب جنبش انقلابی، آن را ترک نکنند، رهبران انقلابی با ترسیم و تبیین اهداف جنبش و شیوه های محقق نمودن خواسته ها، مطلوبیت ها و نیازهای کنشگران انقلابی، برای جنبش یک هویت مشخص تعریف می کنند. از دیگر مؤلفه هایی که کنشگران انقلابی را نسبت به تداوم مشارکت خود در جنبش انقلابی تا رسیدن به لحظه انقلاب، مصمم می کند، ایجاد تعهد نسبت به اهداف جنبش به وسیله کارگزاران انقلابی است.

مؤلفه مهم دیگر تلاش رهبران انقلابی برای ترسیم چشم انداز و به عبارتی وضعیت آینده پس از لحظه انقلاب از طریق بیان برنامه ها، سازوکارها و مناسبات ساختار جایگزین خواهد بود. ۳. سطح سوم، مخاطب انقلاب، یعنی ساختار سیاسی است که مجموعه رفتارها، اقدامات، تصمیمات و سیاست هایی که پیش از آغاز فرایند انقلابی تا لحظه انقلاب، در پیش می گیرد، در ادامه، تأخیر یا توقف فرایند انقلابی بسیار مؤثر خواهد بود.

در مرحله پیش از بروز جنبش، دو عامل موجب بروز نارضایتی می شود. یا خواسته ها و نیازهای جدید در بین عموم مردم و حوزه عمومی با واکنش غیرمتناسب دولت مواجه می شود و اقدامات، رفتارها و سیاست های جدید دولت، مورد اعتراض عموم مردم و حوزه عمومی واقع می شود که خود مقدمه ای برای تحریک مردم برای خروج از حالت انفعال و ورود به حالت کنشگری خواهد بود. چنانچه ساختار سیاسی از عهده پاسخگویی به اعتراض ها برآید، مسیر وارد روند اصلاحی خواهد شد و مسیر جنبش انقلابی یا متوقف شده و با تأخیر مواجه خواهد شد.

۲۴

پس از وقوع جنبش اجتماعی و تا قبل از تبدیل آن به جنبش انقلابی، در مراحل اولیه که اعتراض ها پراکنده و فاقد انسجام هستند، کارگزاران انقلابی افراد زیادی را در فرایند انقلابی جذب و سازمان دهی نکرده اند، ساختار سیاسی با در پیش گرفتن کمترین اقدامات اصلاحی در عرصه های مختلف ساختاری و سیاستی می تواند حرکت پیش رونده انتقادات و اعتراض ها را به تعویق بیندازد. دولت یا می بایست در برابر تحولات محیطی تأثیرگذار در ایجاد تحول در خواسته ها و تقاضاهای عموم مردم، سیاست جامعه پذیری پیوسته یا واکنش غیرمتناسب و واکنش متناسب در پیش گیرد.

با انقلابی شدن جنبش، ساختار سیاسی زمانی می‌تواند از گسترش فرایند بسیج مردم در قالب انسجام و هویت‌یابی تدریجی جنبش انقلابی جلوگیری کند که تلاش کند از ایجاد و تقویت بحران‌های پنج‌گانه هویت، مشارکت، توزیع، نفوذ و مشروعیت جلوگیری نماید و با انجام اقداماتی در سطوح مختلف، بر این بحران‌ها فائق آید.

مرحله پایانی زمانی است که بین دو فرایند کاملاً متضاد یعنی عدم توانایی ساختار سیاسی در حل بحران‌های پنج‌گانه و تکمیل فرایند انسجام و هویت‌یابی جنبش انقلابی، نوعی تقارن زمانی پدید آید که ابتدا این تقارن به صورت نسبی است و پس از مدت کمی با کامل شدن آن و گسترش بی‌ثباتی‌های فزاینده سیاسی، به احتمال زیاد لحظه انقلاب روی خواهد داد.

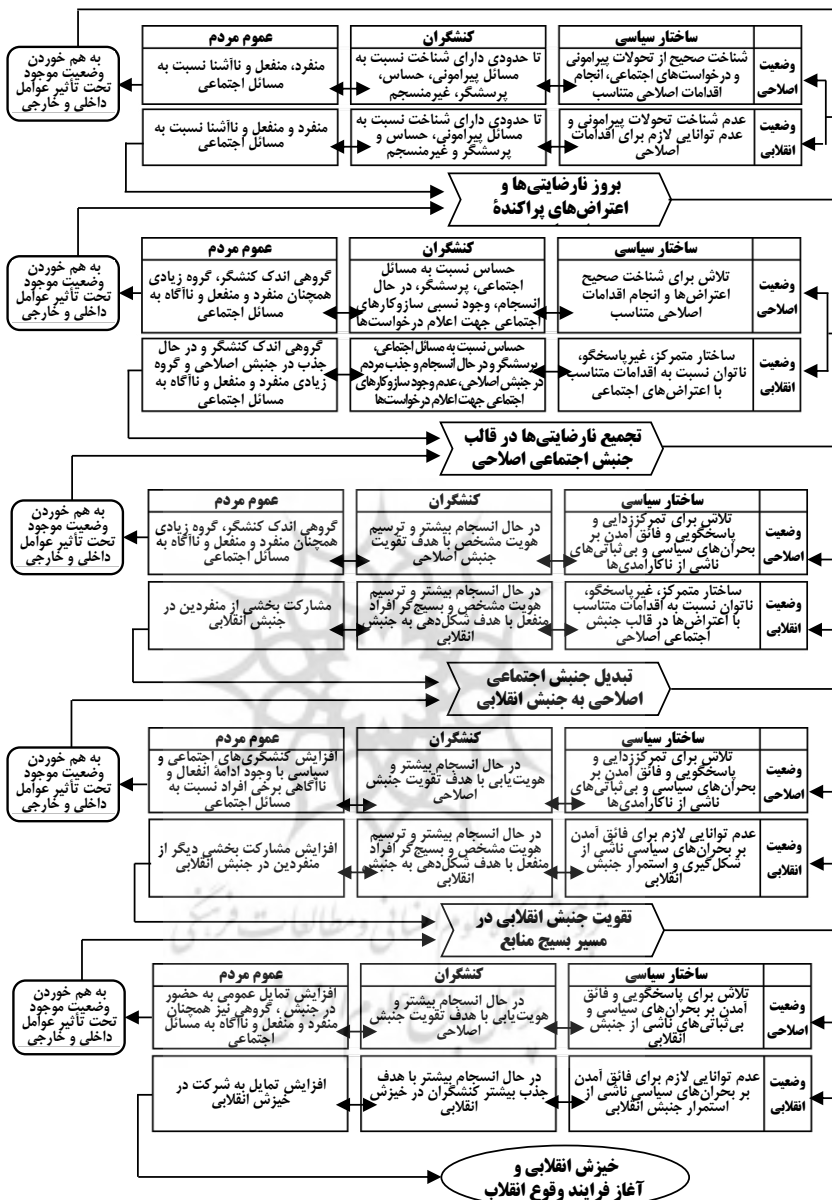
۴. اما سطح چهارم به نوع و شکل تعاملات و مناسبات بین سه سطح اشاره شده در مراحل پنج‌گانه جنبش انقلابی برمی‌گردد.

معمولاً در مراحل اولیه جنبش انقلابی، تعاملات و مناسبات در میان عموم مردم، بیشتر رفتارهای منفعل و منفرد است که به تدریج هر چه جنبش انقلابی به مراحل بعدی پیش رود، به دلیل افزایش تعاملات و ارتباطات بین عموم مردم، کشگری اجتماعی و سیاسی افزایش یافته و به تدریج در راستای کشگری انقلابی به کنش جمعی و بسیج می‌انجامد.

نوع دیگری از تعاملات به روابط و مناسبات بین عموم مردم و جنبش مربوط می‌شود که با حرکت رو به جلوی جنبش انقلابی، کشگری‌های اجتماعی مردم به تدریج با گسترش تعاملات با کارگزاران انقلاب، به کنش انقلابی منتهی خواهد شد. با این توجیه به هر میزان تعاملات سازماندهی شده، هویت یافته و متعهدانه‌تر باشد، روند جنبش انقلابی امکان تداوم خواهد یافت و در غیر این صورت جنبش انقلابی مجدداً به مرحله جنبش اجتماعی باز خواهد گشت.

۲۵

نوع سوم تعاملات بین عموم مردم، کشگران و بسیج‌شوندگان با ساختار سیاسی و دولت است که این هم به میزان شناخت و پاسخ‌گویی نظام سیاسی به مسائل و موضوعات مطرح شده در روند پیش‌رونده انقلاب و فائق آمدن بر بحران‌های پنج‌گانه، بستگی دارد. به هر میزان نظام سیاسی در این مسیر موفق‌تر عمل کند، می‌تواند از سیر پیش‌رونده جنبش انقلابی جلوگیری کند و در بهترین حالت، جنبش انقلابی را در قالب یک جنبش اجتماعی اصلاحی متوقف نماید و در نهایت کارآمدی جنبش انقلابی را در دستیابی به اهداف ادعایی زیر سؤال ببرد.



شکل ۴. الگوی نهایی پژوهش در تبیین مراحل شکل‌گیری انقلاب

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

- اپتر، دیوید ای و اندرین، چالرز. اف (۱۳۸۰). *اعتراض سیاسی و تغییر اجتماعی*. ترجمه محمدرضا سعیدآبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- اسکاچپول، تدا (۱۳۸۹). *دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی*. ترجمه مجید روئین‌تن، تهران: انتشارات سروش.
- اسملسر، نیل (۱۳۸۰). *تئوری رفتار جمعی*. ترجمه رضا دژاکام، تهران: مؤسسه یافته‌های نوین.
- بریتون، کرین (۱۳۹۰). *کالبدشکافی چهار انقلاب*. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر زریاب.
- بک، کالین جی (۱۳۹۸). *رادیکال‌ها، انقلابی‌ها و تروریست‌ها*. ترجمه ایرج همتی و محمد بابایی، قم: لوگوس.
- پارکر، جان (۱۳۸۶). *ساخت‌یابی*. ترجمه حسین قاضیان، تهران: نشر نی.
- پای، لوسین دبلیو (۱۳۸۰). *بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی*. ترجمه غلامرضا خواجه‌سروی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۹). *نظریه‌های انقلاب؛ وقوع، فرایند و پیامدها*. تهران: انتشارات سمت.
- تیلی، چارلز (۱۳۸۸). *از بسیج تا انقلاب*. ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- تیلی، چارلز (۱۳۹۶). *جنبش‌های اجتماعی ۱۷۶۸-۲۰۴۴*. ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- جانستون، هنک (۱۳۹۸). *جنبش‌های اجتماعی چیست؟*. ترجمه سعید کشاورزی و مریم کریمی، تهران: نشر ثالث.

- جانشون، چالمرز (۱۳۶۳). *تحول انقلابی؛ بررسی نظری پدیده انقلاب*. ترجمه حمید الیاسی، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- خرمشاد، محمدباقر (۱۳۹۷). *بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران*. تهران: انتشارات سمت.
- خرمشاد، محمدباقر و محمدی لرد، عبدالمحمود (۱۳۹۲). شروط سیاسی بی‌ثباتی؛ تحلیل تجربی بین‌کشوری. *دوفصلنامه دانش سیاسی*، ۹(۲)، پی‌پی ۱۸، ۴۹-۲۵. <http://noo.rs/zGV0P>
- درس‌لر، دیوید و ویلیس، ویلیام ام (۱۳۹۵). *جامعه‌شناسی؛ بررسی تعامل انسان‌ها*. ترجمه مهرداد هوشمند و غلامرضا رشیدی، تهران: نشر اطلاعات.
- دلاپورتا، دوناتلا و دیانی، ماریو (۱۳۸۴). *مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی*. ترجمه محمدعلی دلفروز، تهران: نشر کویر.
- دلاوری، ابوالفضل (۱۳۸۳). تحول منازعه سیاسی از عصر دولت - ملت تا عصر جهانی‌شدن. *پژوهش حقوق و سیاست*، ۶(۱۲). ۱۴۳-۱۰۷. <https://qjpl.atu.ac.ir/article.html.۲۹۵۵>
- دلاوری، ابوالفضل (۱۳۹۴). درآمدی انتقادی بر مفهوم و شاخص‌های بی‌ثباتی سیاسی؛ به سوی مدلی جامع و روزآمد برای سنجش بی‌ثباتی سیاسی. *دولت‌پژوهی*، ۱(۲)، ۹۳-۵۹. <https://doi.org/10.22054/tssq.2015.1805>
- دیتِر آپ، کارل (۱۳۹۵). *جنبش اجتماعی و اعتراض سیاسی*. ترجمه مجید عباسی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۶). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- زتومکا، پیوتر (۱۳۸۶). *اعتماد؛ نظریه جامعه‌شناختی*. تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
- سیدمن، استیون (۱۳۸۶). *کشاکیش آرا در جامعه‌شناسی*. ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی
- فورن، جان (۱۳۸۴). *نظریه‌پردازی انقلاب*. ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
- فینفگلد کانت، دبورا (۱۳۹۹). *پژوهش فراترکیب*. ترجمه وجه‌الله قربانی‌زاده، تهران: عصر قلم.
- کسلر، دیرک (۱۳۹۴). *نظریه‌های روز جامعه‌شناسی از آیزنشتات تا پسامدرن‌ها*. ترجمه کرامت‌الله راسخ، تهران: نشر آگه.
- کلاندرمانز، برت (۱۳۹۷). *جدا شدن از جنبش*. ترجمه علیرضا بهشتی، در جنبش‌های اجتماعی و دموکراتیزاسیون، به کوشش سعید مدنی قهفرخی، تهران: انتشارات روزنه.

- کوزر، لوئیس و روزنبرگ، برنارد (۱۳۹۱). نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی. ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
- کوهن، آلون استانفورد (۱۳۸۰). تئوری‌های انقلاب. ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر قومس.
- گر، تد رابرت (۱۳۷۹). چرا انسان‌ها شورش می‌کنند. ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گر، تد رابرت (۱۴۰۱). شورش سیاسی؛ علل، نتایج و بدیل‌ها. ترجمه سعید صادقی جقه، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گلدستون، جک (۱۳۹۷). انقلاب. (جک گلدستون)، ترجمه آسیه حایری یزدی. فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۸ (۲۶)، ۲۵۳-۲۸۸.
- https://sspp.iranjournals.ir/article_31101.html
- گلدستون، جک (۱۳۹۷). مقدمه‌ای بسیار کوتاه بر انقلاب‌ها. ترجمه عباس حاتمی، تهران: نشر کویر.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- لاوسن، جورج (۱۴۰۰). کالبدشکافی‌های جدید انقلاب. ترجمه مهدی زیبائی، تهران: نگاه معاصر.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۴). درآمدی نظری بر جنبش‌های اجتماعی. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- مک‌کارتی، جانی دی و زالد، مایران (۱۳۹۷). سازمان‌های جنبش اجتماعی. ترجمه عماد بهاور، در جنبش‌های اجتماعی و دموکراتیزاسیون، به کوشش سعید مدنی قهفرخی، تهران: انتشارات روزنه.
- میر، فردریک دبلیو (۱۳۹۹). روایت و کنش جمعی؛ چرا فراخوان‌های سیاسی و اجتماعی به داستان نیاز دارند؟. ترجمه الهام شوشتری‌زاده، تهران: نشر اطراف.
- نش، کیت و اسکات، آلن (۱۳۹۴). راهنمای جامعه‌شناسی سیاسی. ترجمه قدیر نصری و محمدعلی قاسمی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۲). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.

•.....
- های، کالین (۱۳۸۵). *درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی*. ترجمه احمد گل محمدی، تهران:
نشر نی.

-Sandelowski, M. and Barroso, J. (2006). *Handbook for synthesizing qualitative
research*. Springer Publishing Company.

